

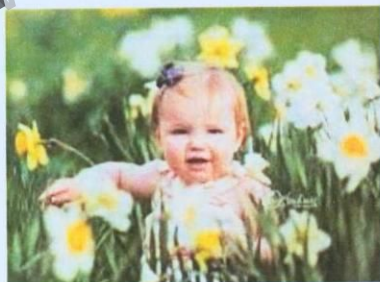
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تربیت صحیح

و

حائره سالم

www.ketab.ir



چاپ دوم با تجدید نظر و اضافات

محمد نیکنام عربشاهی



سرشناسه	نیکنام عربشاهی، محمد ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	تربیت صحیح و خانواده سالم / محمدنیکنام عربشاهی.
وضعیت ویراست	ویراست ۲.
مشخصات نشر	تهران: گل همیشه بهار، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص.؛ جدول، نمودار، ۲۱/۵×۲۷/۵ سم.
شابک	978-622-5836-78-5
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	چاپ قبلی: ایران نسل نو، ۱۳۹۶.
یادداشت	چاپ دوم.
یادداشت	کتابنامه: ج۱، ۱۳۹۶-۲۰۰۰.
موضوع	تربیت خانوادگی Domestic education* کودکان -- سرپرستی Child rearing رفتار والدین -- جنبه‌های روان‌شناسی Parenting -- Psychological aspects تربیت خانوادگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام Domestic education -- Religious aspects -- Islam* HQ۷۶۹
زده بندی کنگره	۶۲۰
زده بندی دیویی	۶۲۰
شماره کتابشناسی ملی	۶۲۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی	۶۲۰

www.ketab.ir

شناسنامه کتاب

نام کتاب: تربیت صحیح و خانواده سالم

مؤلف: محمد نیکنام عربشاهی

نوبت چاپ: چاپ اول ۱۴۰۲

ناشر: گل همیشه بهار

تیراژ: ۱۰۰۰

قطع: رقعی

صفحه: ۲۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۵-۷۸-۵۸۳۶-۶۲۲-۹۷۸

حق فرزند

امام سجّاد (ع) در «رساله حقوق» باره حق فرزند می‌فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ: فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَي رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ

و حق فرزند این است که پدرش او را دوست و قوی و بری او به تو ارتباط پیدا می‌کند. در تربیت و ادب آموزد و فرمایشی او مسؤولیت داری. باید او را در مثبت و اطاعت و کمک کنی و وسایل ایمان و پاکی او را فراهم سازی. عمل تو در باره او مانند کسی باشد که یقین دارد اگر در این راه کمترین زحمتی به خود می‌دهد، پاداش کافی دارد و اگر کمترین کوتاهی نماید، مورد مؤافزه و مجازات قرار می‌گیرد.

قَالَ عَلِيُّ (ع): حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ وَ يَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ^۲

حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهد و نیکش ادب آموزد و قرآنش تعلیم دهد.

۱. مکارم الاخلاق، باب ۱۲، فصل ۱، ص ۴۲۱

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹

در جستجوی ادب باش که زینت انسان ادب است

قالَ اميرُ الْمُؤْمِنينَ لِوَلَدِهِ الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يا بُنَيَّ، اَحْرِزْ حَظَّكَ مِنَ الْاَدَبِ، وَ فَرِّغْ لَهُ قَلْبَكَ؛ فَإِنَّهُ اَعْظَمُ مِنْ أَنْ تُخَالَطَهُ دَنَسٌ. وَ اعْلَمْ أَنَّكَ إِنْ اَعُوْزْتَ غَنِيَتْ بِهِ، وَ إِنْ اِغْتَرَبْتَ^۳ كَانَ لَكَ الصَّاحِبُ الَّذِي لَا وَحْشَةَ مَعَهُ.

الْأَدَبُ هُوَ لِقَاحُ الْعَقْلِ، وَ ذَكَاةُ الْقَلْبِ، وَ زِينَةُ اللِّسَانِ، وَ دَلِيلُ الرَّجُلِ عَلَي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، وَ مَا الْإِنْسَانُ لَوْلَا الْأَدَبُ إِلَّا بِهِيْمَةً مُهْمَلَةً^۴.

لِلَّهِ دَرُّ الْأَدَبِ، إِنَّهُ يُسَوِّدُ غَيْرَ السَّيِّدِ، فَاطْلُبْهُ وَ اكْسِبْهُ تَكْتَسِبُ الْقَدْرَ وَ الْأَمَالَ، مَنْ طَلَبَهُ صَالَ بِهٍ، وَ مَنْ تَرَكَهُ صِيلَ عَلَيْهِ، يَلْزِمُهُ اللَّهُ السُّعْدَاءَ، وَ يَحْرُمُهُ الْأَشْقِيَاءَ.

علی (ع) در وصیتی به فرزندش امام حسن (ع) فرمود:

فرزندم! بهره خویش را از ادب بگیر و قلبت را برای آن خالی (آماده) گردان؛ زیرا قلب تو، بزرگ تر از آن است که با پلیدی آمیخته شود، و بدان که اگر فقیر شوی، ادب تو را، بی نیاز گرداند، و اگر غریب و تنها

۱. در ارشاد القلوب يُخَالَطُهُ آمده که مناسب با سیاق است.

۲. در ارشاد القلوب چنین آمده است: وَ اعْلَمْ أَنَّكَ إِذَا افْتَقَرْتَ عِشْتَ بِهِ. بدان اگر فقیر

گشتی (ادب بی نیازت گرداند) و با آن زندگی کنی.

۳. در ارشاد القلوب وَ إِنْ تَغَرَّبْتَ آمده است.

۴. بعد از بِهِيْمَةً مُهْمَلَةً در ارشاد القلوب نیامده است.

شوی، او یار و مصاحب و همراه تو گردد که همراه آن (با وجود آن) وحشتی نخواهی داشت.

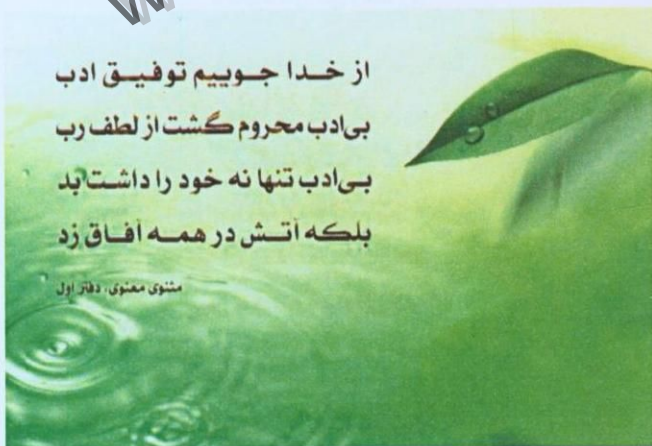
ادب بارور کننده عقل و تزکیه قلب، زینت زبان، و راهنمای انسان به اخلاق پسندیده (خصلت‌های والای انسانی) است، و اگر ادب نباشد، انسان حیوان رها شده (و بی مصرفی) بیش نیست.

خدا به ادب خیر دهد که کوچک را آقایی می‌بخشد، پس در جستجوی ادب باش تا منزلت (شخصیت) و مال (ثروت) به دست آری. هر کس آن (ادب) را جوید با آن چیره شود و هر کس آن را رها کند بر او چیره شوند و بر او حمله آورند).

خداوند، ادب را با یکتا بخشن قرین (همراه) ساخت، و اشقیا (شوربخشان) را از آن محروم کرد.

از خدا جوییم توفیق ادب
بی ادب محروم گشت از لطف رب
بی ادب تنها نه خود را داشت بد
بلکه آتش در همه افاق زد

مثنوی معنوی، دفتر اول



انتظار فرزندان از پدر و مادر

ای پدر، ای مادر

من به رفتار شما می نگرم
دیده ام ناظر اعمال شماست
بهر من از خوب و بد کار شما مفهوم است
عمل و کار شما الگوی رفتار من است
نه چنان می شوم آخر که شما می خواهید
وضع من بسته به رفتار شماست

ای پدر، ای مادر

من در آینه ی سیمای شما
آنچه را در دلتان می گذارد می خوانم
بهر آن است که به من صادق باشید
تا نگیرد دل من رنگ ریا

ای پدر ، ای مادر

اشتباهی اگر از من سر زد
کاه را کوه نکنید
نخ مو را ننمایید طناب
من هم انسانم و لغزش دارم
با زبان خوش خود ذهن من آگاه کنید
تا که دیگر نکنم کار خطا را تکرار

ای پدر، ای مادر

رشد من تدریجی است
تربیت تابع این قانون است
می روم پیش ولی گام به گام
گر فشاری به من آرید مرا می شکنید
نشتابید و شکیباید
با کسی هم قیاسم نکنید
هر گلی رنگ و بویی دارد
وضع من با دیگران یکسان نیست
وضع من وضعیت آنان نیست
در جهان من تک و بی همتایم

ای پدر، ای مادر

بین تان همدلی گر باشد و مهر
من چو گل در بر تان شادابم
نگذارید که آفت زمین بر خیزد
من پریشان شوم و آشفته
نقص پیمان نکنید
به خدا بین شما عهد و مودت باشد

ای پدر، ای مادر

احتیاجم همه پوشاک و غذا تنها نیست
من به امنیت خاطر چو غذا محتاجم
من محبت ز شما می خواهم
دل پاک من از این عاطفه لبریز کنید
ای پدر، ای مادر دوستان دارم و دوستم باشید

ای پدر، ای مادر

ذهن من باغچه ایست گل در آن باید کاشت
گر نکاری گل، علف هرز در آن می روید
زحمت کاشتن یک گل سرخ
کمتر از بر داشتن، هرزگی آن علف است
گل بکاریم بیا، تا مجال علف هرز فراهم نشود
بی گل آرایی ذهن، نازنین آدم، آدم نشود
«دکتر غلامعلی عطایی»



این کتاب را تقدیم می‌کنم به همسر عزیزم فانم
مدریم پورفرض‌اله که در مدیریت فانه و تربیت
فرزندان صالح سعی پیدریغ نموده‌اند.

فهرست

پیشگفتار	۱۳
تربیت فرزند	۱۹
تربیت چیست؟	۱۹
مفهوم تربیت	۱۹
تربیت در لغت	۱۹
تربیت در اصطلاح	۲۰
تربیت دینی	۲۱
هدف تربیت	۲۳
تربیت در عرف	۲۴
آسیب‌های تربیت در عرف	۲۵
پایه‌های تربیت	۲۹
۱) مهر مادری و پدری	۲۹
انواع محبت	۳۱
آثار محبت	۳۳
بچه‌ها تشنه محبتند	۳۴
محبت عامل شادابی و امید در کودک است	۳۵
عوارض و نتیجه کمبود محبت	۴۰
شیوه محبت صحیح	۴۲
عوارض ناگوار زیاده روی در محبت	۴۴
تشویق و محبت دو عامل مهم در تربیت کودک	۴۶
۲) شخصیت	۴۸
۳) آزادگی	۵۰

- ۵۳ علت پیدایش روحیه خست و نتائج آن
- ۵۴ (۴) تولید شناخت در بچه‌ها
- ۵۶ زمان تربیت
- ۵۸ عوامل مؤثر در تربیت
- ۶۲ (۱) وراثت و اصالت خانوادگی
- ۶۸ منظور از اصالت خانوادگی
- ۷۰ (۲) غذای حلال
- ۷۵ نور زهرا (س) از غذای پاک بهشتی
- ۷۶ تأثیر سیر در تربیت فرزند
- ۷۷ تأثیر وضو و مسح در تربیت
- ۷۸ راز موفقیت یک خانواده الهی در تربیت فرزند
- ۷۹ (۳) مصونیت از مشارکت شیطان
- ۸۶ حکمت گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد
- ۸۷ تأثیر معجزه آسای اذان و اقامه
- ۸۸ نشانه کسانی که شیطان در نطفه آنها شرکت جسته
- ۹۱ (۴) دقت در انتخاب همسر
- ۹۲ شرائط انتخاب همسر
- ۹۵ مدیریت در خانواده
- ۹۷ مقدمات راه صحیح
- ۹۷ (۱) اصلاح انگیزه‌ها
- ۹۹ نمونه‌هایی از رفتار پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)
- ۱۰۱ امام سجّاد و مرد شامی
- ۱۰۱ رفتار علی (ع) در دوران حکومت

- ۲) ایجاد محیط امن و سالم و آرام ۱۰۳
- ۳) ایجاد ارتباط، تعلق، انس و آشتی ۱۰۵
- ۴) ایجاد ظرفیت روانی ۱۰۶
- رفتار محبت آمیز پیامبر با امام حسن (ع) ۱۰۸
- رفتار محبت آمیز پیامبر با امام حسین (ع) ۱۰۹
- رفتار پیامبر (ص) با کودکان ۱۱۰
- رفتار علی (ع) با کودکان بی سرپرست ۱۱۱
- زن امانت الهی است ۱۱۴
- ازدواج پیمان الهی است ۱۱۷
- کارهای خانه را عهده کیست؟ ۱۱۹
- مراحل رشد ۱۲۸
- اولویت های تربیت** ۱۲۹
- ۱) اولویت های دوره بنیانگذاری و بی روی ۱۳۰
- ملاحظات دوره بارداری ۱۳۰
- ۲) اولویت های دوره نوزادی و شیرخوارگی ۱۳۸
- دلائل اصلی پرخاشگری ۱۴۴
- عوامل نگرانی و اضطراب کودکان ۱۵۰
- معنای نگرانی ۱۵۰
- معنای اضطراب ۱۵۹
- تعریف اضطراب ۱۵۹
- ریشه های اضطراب ۱۶۰
- علل پیدایش اضطراب ۱۶۰
- علائم اضطراب ۱۶۱

۱۶۱		فرق اضطراب با نگرانی
۱۶۲		فرق اضطراب و ترس
۱۶۳		۳) اولویت‌های دوره یادگیری (۲-۶ سالگی)
۱۶۴		شکل‌گیری شخصیت
۱۶۴		عوامل اساسی یادگیری
۱۶۶		فواید قصه برای کودکان
۱۶۸		۴) اولویت‌های دوره پیام‌ها و دعوت‌ها (۶-۱۲ سالگی)
۱۷۰		۵) اولویت‌های دوره نوجوانی (دوره بحران)
۱۷۰		۱) بحران هویت
۱۷۴		انواع هویت
۱۷۷		۲) بحران بلوغ
۱۷۸		بلوغ
۱۷۸		عوامل مؤثر در بلوغ
۱۷۸		آثار جسمانی بلوغ
۱۷۹		آثار روانی بلوغ
۱۸۲		۳) بحران شخصیت
۱۸۵		۴) بحران پرخاشگری
۱۸۷		نحوه برخورد صحیح با دوره نوجوانی (دوره بحران)
۱۸۹		آسیب‌های تربیتی
۱۹۴		اصول لازم و ضروری در زندگی مشترک

«در بخش تربیت کودک گفته اند:

انسانی که به دنیا آمده، «حَدِيثُ الْعَهْدِ بِالرَّبِّ» است، یعنی تازه از حضور ذات اقدس خداوند، تنزل کرده و به خدا تعهد توحید ربوبی سپرده و به یاد اوست.

او خدای خود را خوب می شناسد و به موادی که بر اساس آن به خدا تعهد توحید ربوبی سپرده آگاه است و با سرمایه الهام و آگاهی «فَالْهَمَّهَا فَجُورُهَا وَ تَقْوِيَهَا» به دنیا آمده و هنوز رنگ تیره طبیعت او را رنگین نکرده و قابل ترقی است.

بنابر این، قبل از این که با عادات و رسوم دیگر آشنا شود، باید او را با تربیت صحیح که «صبغة الهی» است رنگین کنیم و نگوئیم کودک است! و باید بازی کند و هرچه خواست بگوید، بلکه بگوئیم بازی صحیح بکند و حرف خوب یاد بگیرد؛ چون حرف و بازی خوب و رفتار، گفتار و کردار ظریف و صحیح کودکان هم کم نیست.

اگر دستور دینی این است که اولین سخنی که کودک می شنود اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او باشد، برای آنست که کودک واقعا این حرف ها را می فهمد، همان طور که «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» را شنید و جواب صحیح داد، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را هم به خوبی می فهمد و به توحید و رسالت شهادت می دهد و نماز و فلاح و عمل خیر و تکبیر را به خوبی می فهمد و می پذیرد.»

فرزندان امانت الهی هستند در دست والدین و لوحی صاف و ساده و خالی هستند که بخش مهمی از آن را باید والدین بنویسند و سرنوشت آنها را رقم

۱. چنان که علی (ع) در وصیتی به امام حسن (ع) فرموده اند:
 إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَتَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ، وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ. [نهج البلاغه، نامه ۳۱]

جز این نیست که دل نوجوان همچون زمین میان تهی است؛ هر چه در آن افشاندن شود، همان را می پذیرد، از این رو، پیش از آن که دلت سخت شود و اندیشهات مشغول گردد، به تربیت کردن تو مبادرت ورزیدم.

۲. مبادی اخلاق در قرآن، ص ۱۴۵-۱۴۶

بزنند و بر اساس روایت معروف «الْسَّعِيدُ سَعِيدٌ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ شَقِيٌّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» در شکم و رحم مادران سعادت و بدبختی بنیانگذاری و پایه‌ریزی می‌شود و اخلاق و رفتار و تغذیه فکری و روحی آنها در شکل‌گیری خوشبختی و بدبختی شان تأثیر به‌سزایی دارد.

۱. این حدیث به این صورت در منابع ذیل از پیامبر (ص) نقل شده است: «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ. خوشبخت، کسی است که در رَحِمِ مادرش خوشبخت شده است و بدبخت، کسی است که در رَحِمِ مادرش بدبخت شده است. إِبْرَاهِيمُ الْأَنْوَارِ، ج ۵، ص ۱، تفسیر المؤمنین، ج ۱، ص ۲۲۷ از ابی جارهود، از امام باقر (ع)، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۸ از عبد الله بن مسعود یا اندکی پیاده از جامع الصغير، ج ۲، ص ۶۸، عوالی الاالی، ج ۱، ص ۳۵، تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۹۲ از ابی صباح از امام صادق (ع) ۲۸، ص ۱۵

از ظاهر این حدیث چنین برداشت می‌شود که خوشبختی و بدبختی، مادرزادی بوده و سعادت و شقاوت انسان‌ها، پیش از تولدشان رقم خورده و مشخص شده است یعنی هر کسی در شکم مادر سعادت‌مند باشد، زندگی او پس از تولد نیز همان خوشبختی است و اگر سرنوشت او در شکم مادر بدبخت رقم خورده باشد، پس از تولد نیز بدبخت خواهد بود.

بنابراین، انسان‌ها در پیمودن راه سعادت و شقاوت، مجبور بوده و از خود اختیاری ندارند فلذا تربیت انسان‌ها نتیجه‌ای جز تلف کردن وقت ندارد؛ چون هر کسی همان مسیری را که در ازل و یا شکم مادر بر آن سرشته شده است، برمی‌گزیند و طی می‌کند.

ولی با توجه به ادله عقلی و شهودی و آموزه‌های دینی که دلالت بر اختیار انسان دارند و

اساس دعوت به خیر، عقاب و ثواب، ستایش نیکوکاران و پارسایان و نکوهش بدکاران - که در آیات فراوانی از قرآن کریم آمده است مانند آیه: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا

كَفُورًا» [انسان ۳] - دلالت بر اختیار آدمی دارد؛ این نوع روایات دلالت بر وجود زمینه سعادت

و شقاوت در شکم مادر دارد بدون این که جبری در کار باشد، حتی بجه‌های کفار و جنایتکاران که از صلب پدران بد نشأت یافته و در رحم مادران ناپاک پرورش نموده‌اند زمینه

تربیت و هدایت و سعادت از آنان سلب نمی‌شود بلکه در انتخاب مسیر خود (اعم از

خوشبختی و بدبختی) آزاد هستند و تربیت و هدایت در آنها نیز کارساز بوده و مؤثر می‌باشد.

فرزندان بخشی از وجود والدین است که تلاش می کنند دنیای او را آباد و راحتی و آسایششان را فراهم نمایند و از خطرات دنیوی بر آنان بیمناکند اما اولی این است که از خطرات اخروی نیز بر آنان بیمناک باشند و سعادت و خوشبختی ابدی آنها را هم تأمین نمایند؛ چنان که خدای عزّ و جلّ می فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» خود و فرزندانان را از آتش [آخرت] دور سازید و این مسأله ممکن نیست مگر با تربیت صحیح و دینی که خالق انسان آن را به وسیله پیامبران و ادیانی که فرستاده ترسیم کرده است.

پدری و مادری تنها به نان و آب دادن و تأمین لباس و خانه و هزینه مدرسه و ... نیست، بلکه پایه و اساس تربیت، مهر پدری و مادری و آموزش دینداری است که هیچ چیزی نمی تواند جایگزین آنها شده و کمبودشان را جبران نماید.

باید با مهر و محبت و عاطفه پدری و مادری بچه ها را با دین و دینداری آشنا نموده و با آن تربیت کرد و همراه محبت، دین را در آنها کاشت و آبیاری کرد تا درخت ایمان در وجودشان بارور شود و در بزرگسالی به کار آید و ثمر دهد و در سایه آن به سعادت ابدی نائل شوند.

لازم است بدانید بچه ها حتی وقتی به سن نوجوانی و جوانی می رسند به نوازش های قشنگ پدران و مادران خود بیش از پیش (کودکی و خردسالی) نیاز دارند. دلشان می خواهد گاهی روی زانویشان بنشاند و برایشان قصه بگویند. به آنها اجازه دهند که از همه کس و همه چیز حرف بزنند. بگذارند صمیمیتی را که تا اعماق جانشان نسبت به آنها احساس می کنند، ابراز نمایند.

اما بعضی از پدران و مادران چقدر سرد و بداخمی هستند. اصلاً تصوّر نمی‌کنند که آنها، بیشتر از شش سالگی به مهربانی‌های گرم و قشنگ پدر و مادر احتیاج دارند. حرف‌هایی دارند که می‌خواهند به پدر بگویند. غم‌هایی دارند که یک مرد دانا بهتر می‌فهمد، اما او طوری از بچه‌ها دوری می‌کند که انگار آنها در زندگی او، هیچ چیز نیستند.

چرا این پدرها خیال می‌کنند وقتی نان و آب خانواده را فراهم کردند، دیگر هیچ وظیفه‌ای ندارند؟ چرا نمی‌خواهند بفهمند که دختر و پسر آنها هر چه بزرگ‌تر می‌شوند، درست به همان میزان که به غذای بیشتری احتیاج دارند، به محبت و توجه معقول‌تر و بیشتری هم نیازمندند؟

چرا پدر و مادرها فکر می‌کنند که اگر دختر و پسر شانزده ساله‌شان را گاهی نوازش کنند، یا یک کلمه قشنگ بگویند، یا با او صحبت‌های دوستانه بدون پند و اندرز کنند، به شخصیت پدری و مادری خود لطمه‌ای زده‌اند؟

بعضی از بچه‌ها پر از غصه هستند، پر از کمبودند، اگر چه در خانه‌های قشنگشان اتاق خوبی دارند، مدرسه خوبی می‌روند، سر و وضع و لباسشان خوب است و برای همه اینها، پدرشان پول می‌دهد و راحت هم خرج می‌کند، اما آن بی‌خرج‌ترین و کم‌زحمت‌ترین کار را از آنها دریغ می‌کند. آری، او محبت و توجهش را دریغ می‌کند!

متأسفانه خیلی‌ها به مسائل تربیتی اهمیت نمی‌دهند و یا نادانسته چیزهایی را تربیت و ادب پنداشته و آن را به کار می‌بندند که نه تنها ادب محسوب نمی‌شوند بلکه از آسیب‌های تربیت بوده و سبب بروز مشکلات جبران‌ناپذیر بی‌شماری نیز می‌گردد و یا از زمانی به تربیت فرزندان می‌پردازند که بسیار دیر

شده است و تأثیر چندانی نخواهد داشت؛ چون زمان تربیت قبل از تولد می‌باشد مخصوصاً در دو ماهگی اول جنین که دوران شکل‌گیری و بنیانگذاری است و تمام مسائل تربیتی و اخلاقی در آن دوران پایه‌ریزی می‌شود اگر بجهت سالم و صالح و با ادب می‌خواهید به آن دوران [که دوران بنیانگذاری و پایه‌ریزی اخلاقی و تربیتی است] توجه زیادی داشته باشید و اهمیت بدهید که جایش آنجاست و در آن دوران شکل می‌گیرد.

و مسیری که منشأ تکون آدمی طی می‌کند از صلب‌ها و ارحام در مسائل تربیتی و خوشبختی و بدبختی فرزندان تأثیر به‌سزائی دارد و غفلت از آن جبران‌ناپذیر خواهد بود؛ هر چند گذشته را نمی‌توان تغییر داد و در آن اثر گذاشت اما با انتخاب مناسبان خوب از تبار پاک می‌توان به پاکی مسیر و صالح بودن فرزند اطمینان حاصل کرد.

غذای حلال، شیر خوردن از پستان رنه مناسب، گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، انتخاب نام نیک، توجه به تعالیم آسمانی و دستورات دینی تأثیر اساسی در تربیت فرزندان دارد که جایگزین ندارد و بدون آنها تربیت صحیح و پرورش فرزند صالح ممکن نیست، هر چند عده‌ای فرزندان خود را با ادب و صالح بدانند و بر آنان ببالند و خیال کنند که آنها را خوب تربیت کرده و خوشبختی‌شان فراهم آورده‌اند.^۱

۱. چون فقط خالق انسان است که می‌داند این مخلوقی که خودش آن را آفریده چگونه و با چه روشی و چه ابزاری باید تربیت شود تا به کمال نهایی خود برسد. بشری که خود از تمام زوایای وجودی و قابلیت‌های خود و دیگران بی‌خبر است چگونه می‌تواند در تربیت که شکوفا کردن تمام ابعاد وجودی و قابلیت‌های انسان است به موفقیت کامل نایل شود و تجربه بلند مدت انسان‌ها نیز در امر تربیت چندان کارساز نبوده و راه به جایی نبرده است از این روی تربیت صحیح و کامل تنها در گرو تعالیم الهی است که خالق انسان، آن را توسط انبیای خود برای تربیت و هدایت انسان‌ها نازل کرده است.

اهمّ مسائلی که در این کتاب به آنها پرداخته شده است:

- (۱) توجه به تربیت فرزندان قبل از تولّد
- (۲) نقش دین در تربیت فرزند
- (۳) نقش انتخاب همسر از تبار پاک در تربیت فرزند
- (۴) نقش غذای حلال در تربیت فرزند
- (۵) عوامل مؤثر در تربیت فرزند قبل از تولّد
- (۶) مدیریت صحیح در خانواده
- (۷) آسیب‌های تربیت

امیدوارم پدران و مادران عزیز با احساس مسئولیت بیشتر و با به کار بستن موارد مطرح شده، به پرورش و تعالیم دینی و الهی است، در تربیت فرزندان خود که جگر گوشه و بخشی از وجود آنهاست بکوشند تا انسان‌های سالم و صالحی به جامعه بشری تقدیم کنند و سعادت و شادمانی و شادمانی و ابدی آنان را تأمین نمایند و ما را نیز از دعای خیرشان فراموش نکنند، باشد که ما هم سهم کوچکی در تربیت انسان‌های صالح ایفا کرده و خود نیز در طریق صالحان بوده و در سلک آنها قرار گیریم و با آنان محشور شویم.

محمد نیکنام عربشاهی

تبریز

۱۴۰۲/۱۱/۲